

Moral Foundations of Criminalizing the Phenomenon of Child Marriage

Z. Zahed¹, G. Mohammad Nasl Ph.D.^{2*}, H. Davoudi Garmaroodi Ph.D.²

1. Ph.D. Student in Law, Karaj branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

2. Dept. of Law, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

Abstract

Background: The phenomenon of child marriage is a moral harm and a threat to children's physical and mental health, among which girls bear the largest share of losses and damages. Child marriage is immoral because at this age the child is not mentally, emotionally, economically and physically ready for marriage, so child marriage as a moral harm ignores the basic rights of people. Considering the importance of this matter, the present study was formed with the aim of investigating the moral foundations of criminalizing the phenomenon of child marriage.

Conclusion: The results of this research indicate that having a child in marriage is a violation of moral principles and therefore it is considered as a criminal matter in law. According to existing international documents, child marriage is one of the forms of forced marriage and an example of violation of human rights. Several factors are involved in the occurrence of child marriage, and poverty is the main reason for this phenomenon. Therefore, early marriage has a lot of consequences and negative effects, which leads to the deterioration of three rights: the right to education, the right to health, and the right to choose. Therefore, countries and international communities should take steps to solve this problem by compiling a set of laws and explain the important achievement of it. The process and how to criminalize this phenomenon is in this field.

Keywords: *Ethics, Criminalization, Child rights, Child marriage, Child rights convention*

***Corresponding Author:** G. Mohammad Nasl, Dept. of Law, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. Email: najandimaneshh@gmail.com

How to cite: Z. Zahed, G. Mohammad Nasl, H. Davoudi Garmaroodi. Moral foundations of criminalizing the phenomenon of child marriage. *Ethics in Science and Technology*. 2024,19(1): 18-25.



Copyright © 2024 Authors. Published by Iranian Association for Ethics in Science and Technology. This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license. (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>). Non-commercial uses of the work are permitted, provided the original work is properly cited

بنیان های اخلاقی جرم انگاری پدیده کودک همسری

زینب زاهد^۱، دکتر غلامرضا محمد نسل^{۲*}، دکتر هما داوودی گرمارودی^۲
^۱. دانشجوی دوره دکتری گروه حقوق، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.
^۲. گروه حقوق، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۶/۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۸/۹)

چکیده

زمینه: پدیده کودک همسری به عنوان آسیب اخلاقی و تهدید کننده سلامت جسمی و روحی کودکان است که در این میان دختران بیشترین سهم زیان و آسیب را متحمل می شوند. ازدواج کودکان غیر اخلاقی است زیرا در این سن کودک از نظر روانی، عاطفی، اقتصادی و جسمی آمادگی ازدواج را ندارد بنابراین کودک همسری به عنوان یک آسیب اخلاقی حقوق اولیه افراد را نادیده می گیرد. با توجه به اهمیت این امر پژوهش حاضر با هدف بررسی بنیان های اخلاقی جرم انگاری پدیده کودک همسری شکل گرفت.

نتیجه گیری: نتایج این تحقیق حاکی از آن است کودک همسری نقض اصول اخلاقی است و از این رو در حقوق به عنوان یک موضوع مجرمانه مورد بررسی قرار می گیرد. بنابر اسناد بین المللی موجود، ازدواج کودکان یکی از اشکال ازدواج اجباری و مصداق نقض حقوق بشر می باشد عوامل متعددی در بروز کودک همسری دخیل بوده که فقر دلیل اصلی این پدیده است. بنابراین ازدواج زودرس پیامدها و آثار منفی بسیاری از خود به جامی گذارد که در زوال سه حق تأثیرگذار است: حق آموزش، حق بهداشت، حق انتخاب، بنابراین کشورها و جوامع بین المللی با تدوین مجموعه قوانین باید در جهت حل این معضل گام بردارند و مهم دستاورد آن تبیین فرایند و چگونگی جرم انگاری این پدیده در این عرصه می باشد.

کلیدواژگان: اخلاق، جرم انگاری، حقوق کودک، کودک همسری، کنوانسیون حقوق کودک

سر آغاز

پدیده کودک همسری^۱ به ازدواجی گفته می شود که یک یا هر دو همسر زیر سن ۱۸ سال داشته باشند^(۱). این تعریف در ظاهر بسیار روشن به نظر می رسد، اما واقعیت پیچیده تر است. هر دو واژه «کودک^۲» و «ازدواج^۳» در جوامع مختلف به صورتهای متفاوت تعریف شده اند. جامعه بین الملل به «افراد زیر ۱۸ سال» کودک می گوید. اما تعریف قانون از کودک در قسمتهای مختلف دنیا متفاوت است. در برخی کشورها از جمله کشور ما بر اساس قانون افراد «پیش از ۱۸ سالگی» به سن بلوغ می رسند. در بعضی کشورها نیز مانند نپال بر اساس قانون افراد برای ازدواج باید حداقل ۲۰ سال داشته باشند. با وجودی که کودک همسری بر اساس قوانین بین المللی و بر اساس قوانین و حقوق کودکان منع شده، اما هنوز سرالانه میلیونها دختر، حدود ۱۲ میلیون دختر، پیش از رسیدن به سن ۱۸ سالگی در گوشه و کنار دنیا ازدواج می کنند.

ازدواج کودکان یا کودک همسری نوعی ازدواج رسمی یا غیررسمی است که در آن فرد پیش از رسیدن به ۱۸ سالگی وارد پیمان زناشویی می شود. وقوع ازدواج در سنین خردسالی و به تعبیر مشخص «کودکی» که در کنوانسیونهای جهانی تا ۱۸ سالگی را در بر می گیرد، پدیده ای است که در اکثر جوامع توسعه نیافته، سنتی و بسته روی می دهد^(۲). در اصطلاح حقوق بشر^۴، ازدواج کودک بدین معنی است که زوجین یا یکی از آنها، کودک بوده و ازدواجی تحت قوانین مدنی، مذهبی و یا عرفی با ثبت یا بدون ثبت رسمی، صورت بگیرد. از دیگر سو با عنایت به تعریف ماده یک کنوانسیون حقوق کودک که به طفل زیر ۱۸ سال کودک اطلاق می شود، ازدواج قبل از سن ۱۸ سالگی، ازدواج زود هنگام نامیده می شود، زیرا دختر قبل از ۱۸ سال به لحاظ فیزیکی، فیزیولوژیکی و روانی آمادگی پذیرش مسئولیت ازدواج و بچه دار شدن را ندارد و نیز برای پسر، پذیرش مسئولیت زندگی و تامین آن دشوار است.

بدین سان، ازدواج زودهنگام ازدواجی است که قبل از فراهم شدن شرایط ازدواج از قبیل بلوغ، توانایی جسمانی و رشد لازم اتفاق می‌افتد و طرفین عقد نکاح یا یکی از آنان، به علت فقدان رشد کافی، آمادگی جسمی و یا روحی را برای این امر مهم ندارند. بنابراین ازدواج کودکان غیراخلاقی است زیرا در این سن کودک از نظر روانی، عاطفی، اقتصادی و جسمی آمادگی ازدواج را ندارد و حقوق آنها پایمال می‌شود برای نمونه دختران را از تحصیل محروم می‌شوند و آنها را به یک زندگی با چشم اندازی از فقر روانه می‌کنند، خطر خشونت^۵، آزار جنسی^۶ و فیزیکی، سوءاستفاده، بیماریهای گوناگون و .. افزایش می‌یابد.

از آنجایی که ازدواج به عنوان یک نهاد حقوقی مهم و تاثیرگذار در جامعه مورد توجه قانونگذار بوده لذا انواع، شرایط و ضوابط این نهاد از جمله پدیده کودک همسری نیز باید به صورت مبسوط بررسی و آثار آن تصریح گردند بنابراین سوالی که در این خصوص واجد اهمیت می‌باشد این است که بنیانهای اخلاقی جرم‌انگاری پدیده کودک همسری در سیاست کیفری تقنینی ایران و حقوق تطبیقی و معاهدات بین‌المللی کدام است؟

بحث

کودک همسری بعنوان یک آسیب اخلاقی

به طرز غم‌انگیزی، حدود ۴۰ میلیون دختر در سراسر جهان در حال حاضر ازدواج کرده یا در یک رابطه هستند^(۳). ازدواج کودکان غیراخلاقی است زیرا در این سن کودک از نظر روانی، عاطفی، اقتصادی و جسمی آمادگی ازدواج را ندارد. ازدواج زود هنگام به کودکی فرد پایان می‌دهد و زندگی وی را ویران می‌کند. ازدواج اجباری^۷ کودک را از تحصیلات و موارد دیگر محروم می‌کند و مسئولیت‌های بزرگسالان از جمله فعالیت اقتصادی، بارداری اجباری^۸ را جایگزین درس‌هایی می‌کند که در کلاس درس آموخته می‌شود. این نه تنها حقوق فرد را نقض می‌کند، بلکه زندگی او، زندگی فرزندانش و آینده جامعه اش را به خطر می‌اندازد^(۴).

ازدواج جنبه‌های مختلفی دارد و تنها به معنای زندگی مشترک دو نفر نیست. از نظر روانی و عاطفی یک دختر زیر سن قانونی، طبق نظر کارشناسان و تجربیاتی که در این دنیا دیده می‌شود، آماده تشکیل خانواده نیست. ازدواج به فردی قوی نیاز دارد که کنترل بیشتری بر احساسات خود داشته باشد و از نظر روانی ضعیف نباشد. برای اینکه پسری توان تشکیل خانواده داشته باشد باید بعد از تحصیل وارد جامعه و بازار کار شود و درآمد داشته باشد و حتی اگر درس نخواند و کارگری کند نیاز به کسب درآمد دارد تا بتواند زندگی خوبی به خانواده اش بدهد تا از نظر اقتصادی خودکفا باشد. چنین معیارهای حداقلی بی‌شک برای یک کودک زیر سن قانونی حاصل نشده است^(۵).

از نظر روانی و جسمی نیز در ازدواج‌های زودهنگام آسیب‌زا هستند، را که اولاً، کودک خرد کافی برای درک معنای ازدواج و شرکای زندگی را ندارد. ثانیاً، فرزند آوری، در سنین پایین زمانی که رشد بدنی زن کامل

نیست، منجر به ایجاد مشکلات متعدد جسمی برای مادر و کودک می‌شود. دخترانی که در سنین جوانی ازدواج کرده‌اند، با تأثیرات اقتصادی مادام‌العمر، به مراتب کمتر در مدرسه باقی می‌مانند. آنها اغلب منزوی هستند و آزادی آنها محدود شده است. آنها بیشتر در معرض خطر خشونت فیزیکی و جنسی هستند. کودک همسری دختران را در معرض خطر بیشتری برای تجربه عوارض خطرناک در بارداری و زایمان، ابتلا به HIV/AIDS و خشونت خانگی قرار می‌دهد^(۶).

جرم‌انگاری پدیده کودک همسری در اسناد بین‌المللی

به واسطه غیر اخلاقی^۹ بودن پدیده کودک همسری سازمان‌ها و نهادهای حقوقی بین‌المللی این پدیده را به عنوان یک جرم در نظر گرفته‌اند. که در ادامه به برخی از این اسناد اشاره می‌شود.

-در اسناد عام حقوق بشر

در اسناد بین‌المللی، از عبارت "کودک" و یا "نوجوان" استفاده شده است. در ماده ۱۱ مقررات سازمان ملل متحد برای حمایت از کودکان محروم از آزادی از واژه "نوجوان" به مفهوم تمام افراد زیر ۱۸ سال استفاده شده است. کنوانسیون شورای اروپا در زمینه اقدام قاجاق علیه انسان در سال ۲۰۰۵ میلادی نیز کودک را فردی معرفی کرده که کمتر از ۱۸ سال سن دارد. در فرهنگ حقوقی آکسفورد تعریف دقیق و قطعی از کودک وجود ندارد؛ این اصطلاح گاه در مورد اشخاص زیر ۱۴ یا ۱۶ سال و در پاره‌ای موارد درباره اشخاص زیر ۱۸ سال استفاده می‌شود که هر مورد بستگی به قانون حاکم بر آن دارد سپس به فعالیت‌های سال ۱۹۸۹ در مورد کودک و قانون خانواده ۱۹۹۹ اشاره شده است که کودک را فرد زیر ۱۸ سال می‌داند. بنده از ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۹۹ دسامبر ۱۹۹۹ چنین مقرر می‌دارد: حکم اعدام در مورد جرایم ارتكابی اشخاص کمتر از هجده سال صادر نمی‌شود. همچنین در بند "د" ماده یک قرارداد تکمیلی منع بردگی و برده‌فروشی مصوب ۱۳۲۷ و در ماده ۲ کنوانسیون بدترین شکل کار کودک و همچنین براساس نظر سازمان بهداشت جهانی، لفظ کودک به افراد کمتر از هجده سال اطلاق می‌شود. اما در مورد تعریف اصطلاحی کودک باید به اسناد بین‌المللی مربوط به آن مراجعه کرد ماده یک کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ مقرر می‌دارد کودک هر انسان دارای دارای کمتر از سن است، مگر آن که طبق قانون قابل اعمال در مورد کودک، سن قانونی کمتر تعیین شود^(۷-۹). همانطور که ملاحظه می‌گردد، ماده فوق به شروع کودکی اشاره نکرده و تنها پایان کودکی را به عنوان مرز بین کودکی از بزرگسالی تعیین کرده است. البته در طرح پیشنهادی لهستان، شروع کودکی از لحظه تولد بیان شده بود که به نظر می‌رسید جوازی برای سقط جنین در اروپا بود که منجر به بروز اختلافاتی شد. لذا به دلیل اختلاف نظرهای موجود، در مرحله پایانی تصویب کنوانسیون، مجمع عمومی سازمان ملل متحد فقط به پایان کودکی در تعریف کودک تصریح نمود^(۱۰). سازمان ملل متحد^{۱۱} در زمینه اطفال و همچنین اطفال بزه‌کار، مبادرت به صدور قطعنامه‌ها و

اشکال کار کودکان مصوب ۱۹۹۹، که در ماده دو خود به صراحت اعلام می‌دارد: اصطلاح کودک در مورد کلیه اشخاص زیر ۱۸ سال به کار برده می‌شود. در سال ۲۰۰۵ اعضای کنفرانس سران اسلامی در صنعاء، میثاق اسلامی حقوق کودک را به رشته تحریر در آوردند که در ماده یک آن، کودک به هر انسانی گفته می‌شود، که از نظر قانون قابل اعمال در مورد وی، به سن بلوغ نرسیده باشد (۱۵).

کنوانسیون حقوق کودک که مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد است و اکثر ممالک جهان به آن پیوسته‌اند کودک را تعریف کرده است؛ و این خلاء اعلامیه جهانی حقوق کودک را که در سال ۱۹۵۹ در مورد کودک به تصویب همین مجمع رسیده بود، برطرف نموده است؛ زیرا با همه تأکیدات و اهمیت مورد ادعای سازمان ملل متحد و مجمع عمومی آن در این اعلامیه و مقدمه‌ی آن که بر اهمیت حقوق و آزادی‌های کودک و اهتمام وی صورت گرفته بود؛ اساسا کودک در آن سند جهانی تعریف نشده بود. به هر حال پس از ۳۰ سال مجمع عمومی سازمان ملل متحد به خود آمد و ضرورت تعریف کودک را در سال ۱۹۸۹ طی کنوانسیون حقوق کودک درک کرد و خلاء اعلامیه جهانی خود را احساس کرد؛ از نظر این کنوانسیون منظور از کودک، افراد انسانی زیر ۱۸ سال است، مگر این که طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، کمتر از سن بلوغ باشد، کنوانسیون در تعریف کودک، تنها معیار و ملاک تمایز وی از بزرگسالان را معیار سن قرار داده است و مقولات دیگر از قبیل رشد و عقل مورد توجه قرار نگرفته است. در مورد سن مسئولیت کیفری و ممنوعیت اعمال مجازات‌های سنگین، اعدام و حبس ابد برای افراد زیر ۱۸ سال (ماده ۳۷ کنوانسیون) و نیز حداقل سن ازدواج که عدم توجه به این حداقل، بر بهداشت و سلامت روانی و جسمی، آموزش و سایر حقوق فردی^{۱۴} و اجتماعی کودک تأثیر منفی دارد (۱۶). در مجموع کنوانسیون:

۱. کودک را فرد زیر هیجده سال می‌داند. ۲. کودک اعم از دختر و پسر بدون تفکیک جنسیتی^{۱۵} است. ۳. اصل بر اختیار دولت‌ها در تعیین سن بلوغ است مگر در مواردی که مصلحت کودک در حفظ بالاترین منفعت وی ایجاد نماید، که در این صورت سن مورد نظر کنوانسیون اعمال خواهد شد.

در کنوانسیون استثنائاتی که ممکن است وجود داشته باشد مطرح شده و مورد حکم نبوده‌اند مانند کودک مجنون یا افرادی که در سن پایین تر از هیجده سالگی به مرحله بزرگسالی می‌رسند.

ماده یک کنوانسیون منظور از کودک: «افراد انسانی زیر ۱۸ سال است، مگر این که طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، کمتر از سن بلوغ باشد»

اولا: این ماده از کنوانسیون صرفا کودک را از منظر خود تعریف کرده است و آن را به صورت کلی و بدون قید مطرح نکرده است و لذا باید بیش از آن تعمیم داده شود.

ثانیا: خود ماده مورد اشاره دارای برخی نواقص و خلاءهاست منجمله این که مشخص نکرده است آیا از بدو تولد یا پیش از آن کودک مشمول عنوان مورد حمایت کنوانسیون قرار می‌گیرد امری که تصریح

اسنادی نموده است که برخی از آن‌ها جنبه الزام آور داشته و به مثابه قانون است و بعضی دیگر از این اسناد صرفا ارشادی بوده و فاقد جنبه الزامی است. در مورد اطفال بزهکار تنها سند الزام آور، مانند معاهده حقوق کودک، امضاء بیانگر تصویب است و حکم قانون را دارد. تاکنون هیچ معاهده‌ای به سرعت این معاهده جهانی (معاهده حقوق کودک به تصویب نرسیده است. در کمتر از چهار سال، بیش از ۱۵۰ کشور این سند را به عنوان حداقل استاندارد موافقتنامه بین المللی درباره با کودکان پذیرفته‌اند. دولت جمهوری اسلامی ایران در اسفند ماه سال ۱۳۷۲ به موجب ماده واحده‌ای که به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، به معاهده حقوق کودک ملحق گردید. به لحاظ اهمیت حقوق اطفال چه از نظر کیفری چه از نظر حقوقی، معیارهای الزام آوری در این زمینه زیر عنوان حقوق کودک تدوین شده است. پیش درآمد این اقدام، بیانیه حقوق کودک ژنو مصوب سال ۱۹۲۶ و اعلامیه حقوق کودک سال ۱۹۵۹ مصوب مجمع عمومی بوده و علاوه بر آن اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین المللی حقوق اجتماعی^{۱۱}، اقتصادی و فرهنگی و سایر اسناد سازمان‌های تخصصی و سازمان‌های بین المللی مربوط به رفاه کودکان نیز به طور کلی در معاهده حقوق کودک مؤثر واقع شده‌اند (۱۱). پیمان نامه (کنوانسیون حقوق کودک که در سال ۱۹۸۹ میلادی به تصویب سازمان ملل متحد رسیده و جزء اسناد الزام آور حقوق کودک می‌باشد، طفل و مسئولیت کیفری وی را این چنین تعریف می‌کند. مطابق ماده ۱ این پیمان نامه، یک کودک، انسانی است که سن هیجده سالگی را هنوز تمام نکرده است مگر اینکه سن بلوغ از نظر حقوق جاری در کشورهای مربوطه زودتر تعیین شده باشد. این مطلب را عبارت اخیر مندرج در ماده یک کنوانسیون حقوق کودک^{۱۲} به جهت جلب همکاری کشورهای اسلامی که سن بلوغ را کمتر از ۱۸ سال منظور کرده‌اند تا این امر مانع پذیرش آن‌ها و پیوستن به کنوانسیون نشود البته لازم به یادآوری است که به موجب نظریه رسمی اعلامی از سوی سازمان بهداشت جهانی^{۱۳} انسان از بدو تولد تا ۱۵ سالگی، کودک نامیده می‌شود (۱۲).

در اسناد خاص حقوق کودک

نخستین سندی که در آن، تعریف دقیقی از کودک ارائه شده است، کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ میلادی (۱۳) سازمان ملل متحد می‌باشد که کودک را فردی تعریف کرده که به ۱۸ سال تمام نرسیده باشد، مگر این که بر اساس قوانین داخلی لازم الاجرا سن بلوغ پایین تر تشخیص داده شود (۱۴). بنابراین کنوانسیون معیار سن را ملاک عمل قرار داده پس از کنوانسیون ۱۹۸۹ تلاش‌های فراوانی در راستای تبیین مفهوم کودک و همچنین رعایت غبطه و مصلحت کودک انجام گرفت که از آن جمله می‌توان به مقررات سازمان ملل متحد برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی مصوب ۱۹۹۰ اشاره کرد. در بند الف بخش دوم شماره یک مقررات مزبور، نوجوان هر شخص کمتر از ۱۸ سال است نباید کمتر از این سن، اجازه داد کودک از آزادی محروم شود، مگر آن که قانون تعیین کرده باشد. پس از سال ۱۹۹۰ سند دیگری نیز تدوین کردند که به مسأله سن اشاره دارد. از جمله مقاوله نامه بدترین

به آن می توانست بسیار راهگشا باشد و مانع تفاسیر گوناگون متعارض گردد.

ثالثاً: ماده یک کنوانسیون ۱۹۸۹ حقوق کودک زیر سن ۱۸ سال بودن را در صورتی سبب اطلاق واژه ی کودک می شمارد که استثناء ذکر شده یعنی « به موجب قانون قابل اعمال کمتر از آن سن بلوغ شمرده نشود » را نتوان یافت؛ لذا این معیار بر حسب قوانین مختلف قابلیت انعطاف پیدا می نماید و می تواند خود را با کشورهای گوناگون تطبیق یابد (۱۵). اصل بر اختیار دولت ها در تعیین سن بلوغ است مگر در مواردی که مصلحت کودک در حفظ بالاترین منفعت وی ایجاب نماید، که در این صورت سن مورد نظر کنوانسیون اعمال خواهد شد در کنوانسیون استثنائاتی که ممکن است وجود داشته باشد مطرح شده و مورد حکم نبوده اند مانند کودک مجنون یا افرادی که در سنین پایین تراز هیجده سالگی به مرحله بزرگسالی می رسند (۱۷).

جرم انگاری پدیده کودک همسری در ایران

در این قسمت به این سوال پرداخته می شود که از منظر بنیان های حقوق کیفری ایران، پدیده کودک همسری تا چه اندازه می تواند مجرمانه قلمداد شود و فقه اسلامی به عنوان یکی از ریشه های حقوق کیفری ایران در این زمینه چه نظری دارد؟

- در فقه اسلامی

هدفی که اسلام برای ازدواج ترسیم می نماید، در درجه عالی آن رسیدن به آرامش و کمک به یکدیگر در سختی و دشواری های زندگی است. این پیمان آسمانی سبب ادامه حیات جامعه می شود و در نهایت سبب فروکش کردن غریزه جنسی می شود. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» و از نشانه های او اینکه از (نوع) خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان ها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این (نعمت) برای مردمی که می اندیشند قطعاً نشانه هایی است (سوره روم، آیه ۲۱) از آنجا که خانواده نقش به سزایی در حیات اجتماعی و فردی انسان دارد و از سوی دیگر رسیدن به جامعه آرمانی در گرو تشکیل خانواده های موفق است، سن ازدواج، سلامت روانی و جسمی و آمادگی برای تشکیل زندگی مشترک از مهمترین ویژگی های لازم برای تشکیل یک خانواده است (۱۸). لذا، امروزه پدیده ازدواج زودهنگام با وجود برخورداری از کارکردهایی که چه بسا در برهه هایی از تاریخ اجتماعی انسان کارکردهای مناسبی نیز بوده است، با پیشرفت و تحولات اجتماعی و فرهنگی حاصل از توسعه اقتصادی و صنعتی جوامع و نوسازی و مدرنیزاسیون آنها، از آثار و تبعات آسیب شناختی مهمی برخوردار است. وقوع ازدواج در سنین خردسالی و به تعبیر مشخص کودکی که در کنوانسیون های جهانی تا سن ۱۸ سالگی را دربرمی گیرد، پدیده ای است که در اکثر جوامع توسعه نیافته سنتی و بسته روی می دهد. با توجه به جایگاه ازدواج در دین مبین اسلام و نظر به ابهامات موجود در

زمینه ازدواج کودکان، لزوم بررسی جوانب مختلف این موضوع از دیدگاه فقهی و حقوقی ضروری است. از آنجا که در دین اسلام جهت تزویج کودک و حفظ کودکان از آسیب های احتمالی چنین ازدواج هایی شرایط خاصی در نظر گرفته شده است که عدم مفسده و رعایت مصلحت کودک مهمترین رکن و شرط اساسی چنین ازدواجی است، به نظر می رسد تفسیر و تبیین مصلحت و ابعاد گوناگون آن و شرایط ویژه تزویج ولایی کودکان در زمره مسائلی است که علیرغم اهمیت بسیار، تاکنون کمتر بدان پرداخته شده است و از طرفی قرار دادن چنین شروطی حتماً غرض عقلایی دارد و در برخی موارد به جلوگیری از آسیبهای احتمالی می شود که ممکن است آینده و حیات کودکان را به خطر نیندازد (۱۹). مورد تزویج ولائی کودکان نابالغ، برخی از فقها رعایت مصلحت و گروهی عدم وجود مفسده را شرط دانسته اند و در صورت رعایت نکردن این شرط گروهی عقد مزبور را باطل و بعضی غیر نافذ دانسته اند که پس از رسیدن به سن بلوغ، زوج یا زوجه می توانند آن را تنفیذ کنند. از آنجا که صغار و مجانین از قدرت اراده امور شخصی و جلب منافع خود ناتوان هستند، در شرع مقدس اسلام برای آنان ولی و سرپرست تعیین نشده است و تصرف ولی در امور مربوط به آنان، مگر در جهت حفظ منافع و مصالح آنها، صحیح نمی باشد (۲۰). در فقه اسلامی این اصل پذیرفته شده است که شخص بالغ کودک تلقی نمی گردد و معمولاً بلوغ پیش از ۱۵ سالگی محقق می گردد. بر همین اساس در حقوق ایران مطابق تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است و مطابق اصل ۱۷ قانون اساسی، تاریخ هجری شمسی و هجری قمری هر دو معتبر است. کنوانسیون، سن بلوغ را برای پسر و دختر هر دو که اشعار می دارد مگر این که طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود. لذا مغایرت موجود در حقوق ایران با کنوانسیون ایجاد اشکال نخواهد کرد. اما بررسی این امر نیز ضرورت دارد که سن بلوغ تعیین شده در حقوق ایران واجد چه اثری است و به طور عملی چه تعداد از افراد زیر هیجده سال در ایران از حمایت های مندرج در کنوانسیون برخوردار خواهند بود. به عبارت دیگر باید اموری را که در حقوق ایران منوط به بلوغ است با امور دیگری که علاوه بر بلوغ به عقل و رشد نیز بستگی دارد، از یکدیگر تفکیک نمود. به هر حال نگاه اجمالی به شاخه های مختلف حقوق ایران (کار، مدنی، جزایی و...) نشان می دهد که قانون گذار با فرض قابلیت خاص کودک در سنین مختلف، امکان ورود آن ها را به فعالیت های اجتماعی فراهم نموده است مثلاً برای ورود به بازار کار (حداقل سن پانزده سال) برای نکاح و مسئولیت جزایی (سن بلوغ) و ... سن خاصی را در نظر گرفته و این امر نشانگر آن است که کودک در هر سنی امکان فعالیت به خصوصی را دارد و حق انتخاب در بعضی از امور منوط به داشتن سن خاصی است و این امر نه تنها در مورد کودکان - افراد کمتر از هیجده سال که در مورد بزرگسالان نیز منطقی می نماید. مثلاً اموری مثل ترک تابعیت، اشتغال به قضاوت، وکالت، انتخاب به عنوان نماینده مجلس و... منوط به داشتن سن خاصی است که ظاهراً فرض قانون گذار بر این بوده، که این مشاغل و

نتیجه‌گیری

از منظر اخلاق، ازدواج حقوق بشر کودکان را تضعیف می‌کند و زندگی و فرصت‌های آینده آنها را از مسیر خارج می‌کند. در ابتدایی‌ترین سطح، این حق را از کودکان سلب می‌کند که - با رضایت کامل و آزادانه و بدون اجبار یا ترس - با چه کسی و چه زمانی ازدواج کنند. این یکی از مهمترین تصمیمات زندگی است. همچنین احتمال باردار شدن کودک همسران قبل از بالغ شدن بدنشان بیشتر است و خطر مرگ و میر و عوارض مادر و نوزاد را افزایش می‌دهد. در کشورهای در حال توسعه، اکثریت تولد دختران نوجوان در یک ازدواج یا پیوند اتفاق می‌افتد. در این کشورها که دسترسی به خدمات سلامت جنسی و باروری عموماً کم است، عوارض بارداری و زایمان می‌تواند کشنده باشد. در واقع، در سطح جهانی، این عوارض علت اصلی مرگ و میر در بین دختران نوجوان است. کودکانی که ازدواج کرده‌اند نیز در برابر عفونت‌های مقاربتی (STIs) از جمله HIV آسیب پذیر هستند. کمک به این مشکل این واقعیت است که دخترانی که مدرسه را رها کرده‌اند در برابر ازدواج کودکان آسیب پذیرتر هستند و کمتر به اطلاعاتی در مورد محافظت از خود در برابر بیماری‌های مقاربتی و بارداری ناخواسته مجهز می‌شوند. کودک همسری به ویژه فرد را در برابر خشونت و آزار آسیب پذیر می‌سازد. زنان جوانی که در کودکی ازدواج کرده‌اند، ۱.۵ برابر بیشتر از زنان جوانی که در بزرگسالی ازدواج کرده‌اند، در معرض خشونت فیزیکی و/یا جنسی شریک جنسی قرار می‌گیرند. آنها کمتر می‌توانند از خود دفاع کنند و کمتر می‌توانند از روابط سوء استفاده کنند.

دخترانی که در سنین پایین ازدواج می‌کنند نیز بیشتر از زنانی که در سنین بالاتر ازدواج می‌کنند فکر می‌کنند کتک زدن همسرشان موجه است. دختران متأهل به ندرت در مدرسه ثبت نام می‌کنند زیرا از آنها انتظار می‌رود که مسئولیت‌های مهم خانگی را بر عهده بگیرند. این امر پتانسیل آینده آنها را محدود می‌کند و فرار از فقر را برای خانواده‌هایشان دشوارتر می‌کند. فقدان آموزش و توانمندسازی به این معناست که دختران کمتر قادر به حمایت از رفاه فرزندان خود هستند. بچه‌های عروس بچه‌ها نرخ مرگ و میر بالاتری دارند، نتایج تغذیه‌ای بدتری دارند و تحصیلات کمتری دارند.

در مجموع، ازدواج کودکان تلفات هنگفتی را بر جوامع، نیروی کار و اقتصاد وارد می‌کند و زیان آن در طول نسل‌ها منتقل می‌شود. از این رو معاهدات بین‌المللی، قطعنامه‌ها و توصیه‌نامه‌های متعددی در سطح حقوق بین‌الملل و نظام حقوقی ایران درخصوص کودک همسری ارائه شده‌اند و می‌توان نتیجه گرفت:

- بین سن و رضایت به ازدواج ارتباط معناداری وجود دارد و ازدواج کودکان ازدواج اجباری محسوب می‌شود ولی در ایران ازدواج زیر حداقل سن ازدواج نیز با اذن ولی و تشخیص مصلحت در دادگاه، ازدواج اجباری محسوب نمی‌شود؛

- تعیین حداقل سن ازدواج و تأکید بر رضایت به ازدواج و ارتباط مستقیم این دو در مورد کودکان مورد تأکید است و دولتهای عضو

مسئولیت‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، توانایی و صلاحیت خاصی را می‌طلبد بنابراین حتی داشتن هیجده سال تمام که فرض بر رشد و بلوغ افراد است برای تصدی این مشاغل و مسئولیت‌ها کافی نیست (لذا حتی خروج از هیجده سالگی نیز به معنای ورود کامل کودک به جامعه بزرگسالان نخواهد بود و به همین ترتیب اطلاق کودک به کلیه افراد زیر هیجده سال و قائل شدن حقوق و تکالیف یکسان برای همه اعضای این گروه چندان مناسب به نظر نمی‌رسد. هر چند که ظاهراً تدوین کنندگان کنوانسیون در بعضی از مواد به این مطلب توجه نموده‌اند مثلاً در ماده ۱۲ کنوانسیون آمده است که به نظریات کودک مطابق سن او بها داده می‌شود ولی نگاه کلی به کنوانسیون واجد اشکال یادشده است (۱۵).

- در قوانین کیفری ایران

حداقل سن ازدواج تعیین شده در قانون در بسیاری از حوزه‌های قضایی ۱۸ سال است، خصوصاً در مورد دختران؛ و حتی بعضاً قرار داشتن در ۱۸ سالگی نیز شامل قانون مذکور می‌شود. عموماً عبارت «کودک همسری» در مورد کودکان دختری به کار می‌رود که با مردان بزرگسال به خاطر اجبار حاصل از سنتهای قومی یا مشکلات اقتصادی خانواده، ازدواج می‌کنند حوزه‌های قضایی متعددی ازدواج زودهنگام را با رضایت والدین یا در موارد خاصی همچون بارداری نوجوانان مجاز می‌دانند. قوانین سن رضایت (سنی که در آن صلاحیت فرد، به طور معمول دختران، به رضایت برای رابطه جنسی مورد قبول قانون است) به منظور محافظت از کودکان در برابر قرار گرفتن در معرض بهره‌کشی جنسی و همچنین قاچاق کودکان نیز وضع شده‌اند و تا حدودی به ازدواج کودکان نیز مرتبط‌اند. در این زمینه ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی مصوب ۱۳۱۳ بود که چنین مقرر می‌داشت: نکاح اناث (ازدواج دختران) قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام ممنوع است. اما استثنایی به این ماده اضافه شد و امکان ازدواج دختری را با پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه فراهم نمود. اما این استثنا شامل دختران زیر ۱۳ سال و پسران زیر ۱۵ سال نمی‌شود. مقنن ابتدا در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (بخش تعزیرات) در ماده ۶۴۶ در خصوص ضمانت اجرای تخلف از ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی مقرر نموده بود: «ازدواج قبل از بلوغ بدون اذن ولی ممنوع است. چنانچه مردی با دختری که به حد بلوغ نرسیده برخلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی و تبصره‌ی ذیل آن ازدواج نماید به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم می‌گردد سپس مجازات کودک همسری در ماده ۵۰ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ تعیین و مقرر می‌دارد: هرگاه مردی برخلاف مقررات ماده (۱۰۴۱) قانون مدنی ازدواج کند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. هرگاه ازدواج مذکور به واقعه منتهی به نقص عضو یا مرض دائم زن منجر گردد، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه پنج و اگر به واقعه منتهی به فوت زن منجر شود، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه چهار محکوم می‌شود (۲۱).

• تعیین سن ۱۸ سالگی، استقلال و حاکمیت اراده کشورها را مخدوش نمی‌کند؛ زیرا اگر کشورهای عضو بخواهند، می‌توانند با اعمال حق شرط، عدم رضایت خود را از برخی مواد اعلام نمایند؛ هر چند در اسناد بین‌المللی حق شرط بر برخی مواد ممنوع اعلام شده است.

• کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹، هیجده سالگی را به عنوان سن کودک ملاک عمل قرار داده و در بسیاری از موارد از جمله شرکت در مخاصمات مسلحانه و سن مسئولیت کیفری و ... کشورها را محدود و ملزم به مفاد کنوانسیون می‌کند.

• سن کودک در حقوق بین‌الملل به عنوان یک مسأله حساس دارای پیچیدگی‌هایی است که تصمیم‌گیری در مورد آن را سخت می‌کند و تعیین سن خاص به عنوان معیار کلی در مورد کودک، شاید در نگاه اول ساده به نظر برسد، اما با در نظر داشتن همه جوانب امر باید گفت: قضاوت در مورد مسأله سن، توجه به سه اصل مهم را لازم می‌نماید:

اول- آزادی کشورها در تعیین سن کودک؛ دوم- معیار سال به عنوان یک الگو برای کشورهایی که سن کودک را تعیین نکرده‌اند یا در مورد آن سکوت کرده‌اند؛ سوم- این آزادی همواره ممکن است با محدودیت‌هایی مواجه شود.

ملاحظه‌های اخلاقی

در این پژوهش مروری با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاق امانت‌داری علمی رعایت و حق معنوی مولفین آثار محترم شمرده شده است.

واژه‌نامه

1. Child marriage	کودک همسری
2. Child	کودک
3. Marriage	ازدواج
4. Human right	حقوق بشر
5. Violence	خشونت
6. Sexual harassment	آزار جنسی
7. Forced marriage	ازدواج اجباری
8. Forced pregnancy	بارداری اجباری
9. Unethical	غیراخلاقی
10. United Nation Organization	سازمان ملل متحد
11. Social right	حقوق اجتماعی
12. Convention on the rights of the child	کنوانسیون حقوق کودک
13. World Health Organization	سازمان بهداشت جهانی
14. Individual right	حقوق فردی
15. Gender segregation	تفکیک جنسیتی

مکلف به قانونگذاری درباره حداقل سن ازدواج و اجباری کردن ثبت ازدواج و جرم‌انگاری عدم رعایت آن هستند و قانونگذار ایرانی نیز قوانینی را در این خصوص به تصویب رسانده است ولی با توجه به قابل‌عدول بودن حداقل سن با شرایطی، گویی در زمره کشورهایی است که حداقل سن ازدواج را مشخص ننموده‌اند؛

• علیرغم عدم تعیین حداقل سن ازدواج واحد در اسناد بین‌المللی که بین ۱۵ تا ۱۸ سال در نوسان است، قطعنامه‌ها و نظریات تفسیری در این خصوص وجود دارد و این سن باید به نحوی تعیین شود که زوجین بتوانند رضایت کامل و آزاد خود را به شکلی که در قانون مشخص شده ابراز کنند. در ایران حداقل سن ازدواج ۱۳ برای دختر و ۱۵ سال برای پسر تعیین شده است.

• از زمان تصویب عهدنامه حقوق کودک و اسناد و نظریات تفسیری بعد از آن، تأکید بر حداقل سن ۱۸ سال برای ازدواج است و اگر این حداقل سن کمتر از ۱۸ سال باشد تنها می‌توان با دلایلی جدی و سخت‌گیرانه و با احراز منفعت یا مصلحت کودک توسط دادگاه تصمیم گرفت. در ایران حداقل سن ازدواج نیز با اذن ولی و اجازه دادگاه قابل‌عدول است.

• گرایش اسناد به مشخص کردن سن مساوی برای ازدواج است زیرا علاوه بر بلوغ جسمی، برای ازدواج، بلوغ عاطفی، روانی و اجتماعی نیز لازم است و صرف تفاوت در سن بلوغ نباید منجر به تفاوت حداقل سن دختر و پسر برای ازدواج باشد و باید دلایل عینی و منطقی برای این تفاوت ارائه شود. در قانون ایران این سن برای دختر ۱۳ و برای پسر ۱۵ سال می‌باشد که این تقریباً با سن بلوغ پسر منطبق می‌باشد و اگر چه سن بلوغ دختر در قانون مدنی ایران ۹ سال تعیین شده ولی سن ۳۱ سال به سن واقعی بلوغ جسمی دختران در بسیاری از مناطق ایران نزدیک‌تر است؛ بنابراین می‌توان گفت که حداقل سن ازدواج در ایران با سن بلوغ جسمی انطباق دارد؛

• اذن ولی برای ازدواج اختصاص به پدر ندارد و در برخی کشورها به اجازه والدین برای ازدواج زیرسن قانونی فرزندان اشاره شده است. در کشور ایران این اذن اختصاص به پدر و جد پدری دارد؛

• جنبه حمایتی اذن والدین و تشخیص مصلحت توسط دادگاه اختصاص به دختران ندارد و پسران نیز نیازمند این اذن حمایتی در ازدواج قبل از سن قانونی هستند. در ایران این اذن برای دختر باکره مادام‌العمر است که البته با شرایطی طبق ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی قابل‌عدول است و برای پسر تا سن ۱۵ سال می‌باشد. ضمناً این اذن حمایتی برای ازدواج، نباید در مورد دختر کمتر از ۱۸ سالگی که به هر دلیل باکره نیست، منتفی شود.

• عمده‌ترین دلیل تفاوت آرای فقها با موضوع کنوانسیون در رابطه با تعیین سن کودک، این است که فقها در تعیین مفهوم سن کودک به بلوغ توجه داشته‌اند؛ در حالی که در اسناد بین‌المللی تنها معیار برای تعیین سن کودک را، رشد دانسته‌اند که اصطلاحی کاملاً متفاوت از بلوغ محسوب می‌گردد.

References

1. Fataei M, Motlagh M, Aghajani Marsa H. Studying the contexts and consequences of child marriage in Lorestan province. *Journal of Social Work Research*, 2022; 9(32): 105-142. (In Persian). doi: <https://doi.org/10.22054/rjsw.2022.69173.610>
2. Siabidi Kermanshahi, S., Bahrapouri, R., Kouhestani, M. A Jurisprudential-Legal Analysis of the Child Marriage Issue in the Light of Criticism Leveled against this Phenomenon: An Attempt to Offer a Favorable Proposition. *The Women and Families Cultural-Educational*, 2020; 15(52): 149-165. (In Persian). Dor: [20.1001.1.26454955.1399.15.52.7.0](https://doi.org/10.26454/955.1399.15.52.7.0)
3. Mozafarian R. A look at early marriage in Iran. Tehran: Enlighteners and Women's Studies. 2016. (In Persian).
4. Hasheminasab F, Maghsoudi S, Ghanadzade M. (2022). Qualitative Study Exploring the Experience of Child Marriage among Divorcees in Kerman City. *Social Problems of Iran*, 2022; 13(1): 271-291. (In Persian). Dor: [20.1001.1.24766933.1401.13.1.4.7](https://doi.org/10.1001.1.24766933.1401.13.1.4.7)
5. Chowdhury, F. D. (2004). The socio-cultural context of child marriage in a Bangladeshi village. *International Journal of Social Welfare*, 13(3): 244-253. DOI: [10.1111/j.1369-6866.2004.00318.x](https://doi.org/10.1111/j.1369-6866.2004.00318.x)
6. Zarean M. Investigation of the reasons for delayed marriage from the viewpoint of female students in Tehran. *Journal of Woman and Family Studies*, 2018; 6(2): 86-110. doi: [10.22051/jwfs.2017.14955.1426](https://doi.org/10.22051/jwfs.2017.14955.1426)
7. Afsharnia F, Ansari A, Kiaee A. Social and ethical requisites of the legal system to enforce foreign judgments for family lawsuits. *Int. J. Ethics Soc.*, 2021; 2 (4): 1-9. Doi: [10.52547/ijethics.2.4.1](https://doi.org/10.52547/ijethics.2.4.1)
8. Afrasiabi S, Khoeini G, MOjtahed Soleimani A. Legal and ethical principles of criminalization in Iran's criminal law. *Ethics in Science and Technology* 2020; 14 (4) :1-6. (In Persian). Dor: [20.1001.1.22517634.1398.14.4.1.6](https://doi.org/10.1001.1.22517634.1398.14.4.1.6)
9. Khalili R, Esmaeili M, Hajitabar H. Ethics in criminal law: respect for the freedom of individuals and the study of reason in Imami Jurisprudence and Iranian criminal law. *Ethics in Science and Technology* 2022; 16 (4) :14-20. (In Persian). Dor: [20.1001.1.22517634.1400.16.4.3.2](https://doi.org/10.1001.1.22517634.1400.16.4.3.2)
10. Arhami A, Mortajei S. A look at the statistical requirements in policy making in the field of marriage. Tehran: Parliament Research Center. 2011. (In Persian).
11. Abachi M. Criminal rights of children in United Nations documents. 1st ed. Iran/Tehran: Majd Publication. 2001. (In Persian).
12. Broojerdi L. Legal measures at the age of marriage. Iran/Tehran: Etelaat Press. 2008. (In Persian).
13. Dahl GB. Early Teen Marriage and Future Poverty. *Demography*, 2010; 47 (3): 689-718. doi: <https://doi.org/10.1353/dem.0.0120>
14. Chandra- Mouli, V, Virginia Camacho A, Michaud PA. WHO guidelines on preventing early pregnancy and poor reproductive outcomes among adolescents in developing countries. *Journal of Adolescent Health*, 2013; 52(5):517-22. Doi: [10.1016/j.jadohealth.2013.03.002](https://doi.org/10.1016/j.jadohealth.2013.03.002)
15. Mosaffa N. The Convention on the Rights of the Child and its use in Iran's domestic laws. Iran/Tehran: Tehran University. 2004. (In Persian).
16. Ahmadi K, Tanin S. A comprehensive research on early marriage of children in Iran. Iran/Tehran: Shirazeh Publication. 2017. (In Persian).
17. Ghadiri, M. Age and consent to marriage in the light of international human rights law. *Journal of Family Research*, 2016; 12(1): 115-139. (In Persian).
18. Alavi SH. A comparative study of marriage before the age of marriage in Afghan jurisprudence and law. *Legal Discourse*, 2013; 20:99-105. (In Persian).
19. Zamani M. The place of expediency in marrying a child's guardianship in Imami jurisprudence and law. *World Conference on New Horizons in Humanities, Future Research and Empowerment*, Shiraz. 2015. (In Persian).
20. Rajabian Z. Marriage age of girls. 1st ed. Iran/Tehran: Safire Sobh Publication. 2001. (In Persian).
21. Sarmadi abbasi M, Zangi Ahrami A. Reviewing of a child's age and its legal status from the perspective of international documents. *Biannual Journal of Family Law and Jurisprudence*, 2016; 20(63): 23-41. doi: [10.30497/flj.2016.56648](https://doi.org/10.30497/flj.2016.56648)